

افراد در پناه هر نوع حملاتی بوده باشند روش قضائی پرتور ها حدی برای فرمول قائل شده و آن حد اینست .

Nisi de ea re agatur cujus longa possessio ist .

ولی کلمه (prescriptio) پرسکریپسیو در سرلوحه فرمول قرار گرفت و این لفظ از دو کلمه ترکیب شده بر (prae) یعنی جلو و اسکریره (scribere) نوشته معنی میدهد که مفهوم آن سر لوحه است میباشد و این جمله حمایت کننده از هر حیث و هر جهت حقوق مدعی علیه را در مقابل مدعی تضمین و صیانت مینمود .

باری چون این فرمول متصرفین را از هر نوع تعرضی حمایت کرده و حافظ تصرفات متادیه میباشد در سر لوحه فرمول نوشته شده و از آنوقت تا بحال همین کلمه را که امروز بصورت پرسکریپسیون (prescription) در آمده است برای مرور زمان قائل شده اند .

هدی ملکی

حقوق زن مسلمان در ایران

(قسمت اول)

چون در این اواخر بر اثر توجیهیکه زنان بامرفهنگی مبذول داشته اند و در نتیجه تحصیلاتی که عده از ایشان در دانشگاه های داخلی و خارجی نموده اند و بمناسبت تبعیتی که قهر اوخواه و ناخواه از نهضتهای ترقیخواهانه بانوان دنیا شده است . چه در محافل عمومی و چه در مجلات و کتبی که ندرتاً انتشار یافته است شنیده و دیده میشود که باز بتبعیت از اطلاعات ناقص که بانوان اروپائی و امریکائی از قوانین اسلام و ایران دارند و زنانرا در مذهب اسلام بمنزله اسیران دست مرد دانسته معتقدند که حقوقی برای ایشان در قوانین

اسلام نیست. با انتقادات غلط و ناروا بر اساس این حقوق پرداخته و واقعاً امر بر خود ایشان اشتباه شده است. علیهذا نگارنده بر خود فرض دید که تا آنجا که فرصت و اطلاعات ناقص اجازه میدهد شمه از حقوق مربوط بزنان مسلمان ایرانی را ذکر و با مقایسه مختصری با حقوق زنان سایر ممال در رفع این اشتباه اقدام کنم و امیدوارم قارئین محترم مخصوصاً کسانی که بیشتر بحقوق اسلام واقف و از مزایای آن مطلع میباشند این بحث حقوقی اجتماعی را دنبال فرمایند تا هم از ضلالت خارجیان باحوال زنان ما کسروهم بانوان ایرانی را بحق وسیع و بسطی که اسلام بدیشان داده واقف و آگاه فرمایند.

برای مطالعه حقوق زن در ایران حق این است که مراحل مختلفه زندگی زن را در نظر گرفته از دوره طفولیت تا مرگ حقوقی را که باقتضای طبیعت یا حوادث و اتفاقات قهری برای زن پیش می آید در نظر گرفت. ولی البته چنین بحثی طولانی شده و از فرصت یکی دو شماره مجله کانون که بایستی آماده طبع رشحات فکری و قلمی اساتید ما باشد خارج است. بنا براین ما مطالعه خود را محدود بحقوق زن در خانواده نموده و چون اساس تشکیل خانواده بوسیله ازدواج است مقدمه از مرحله دختری زن بحث مختصری کرده سپس حقوق زن را در مرحله ازدواج خواهیم دید.

مرحله دختری زن - از ادوار بسیار قدیم تاریخ چه در ایران و چه در رم و چه مخصوصاً در عربستان تولد دختر برای اقوام نامبارک و نامیمون بود و با آنکه ازدواجهای قدیم بیشتر صرفاً بمنظور تولید نسل انجام میگرفت معذالک دختر را نسل تلقی نکرده و تولد دختر اسباب شرمندگی خاطر ابویں میگشت. بنحویکه اعراب دوره جاهلیت معروف است دختران خود را زنده بگور میکردند.

دختران طبعاً در چنین محیطی و با چنان روحیه دارای شخصیت با حقوقی نبودند که قابل وصف و منحصرأ در ممالک قدیم دختران ایرانی بودند که بالنسبه شخصیتی از نظر حقوقی داشتند میتوانستند از خود دارائی مخصوصی داشته باشند و عملاً در موقع ازدواج پدر با آنها چیزی میداد که مال خود آنها بود و پس از مرگ پدر از ترکه پدر نصیبی میبرد. پیغمبر

اسلام که اصولاً با سیره اعراب و سایر ممالک متبذن قدیم مخالف بود دختر را بصورت فرشته رحمت جلوه داده اولاً با تبلیغات بسیار سعی نمود که ریشه عادت مذموم دخترکشی را از بین اعراب برکند . ثانیاً برای دختران تقریباً همان حقوقی را قائل شد که برای پسران قائل بود یعنی حضانتش را بروالدین تکلیف نمود . ازتر که کسانش نصیبی برای او مقرر داشت . سن بلوغ دختر را تا حد مکفی تنزل داد و با احراز بلوغ کامل استقلال کاملی از جهة دارائی و اهلیت حقوقی در امر ازدواج باو داد . ازهمه مهمتر باب تعلیم و تربیت را بروی ایشان باز و با حکم قطعی طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه بیش از هر شارع و بیش از هر مقنن اجتماعی دیگری مقام زن را در علم و ادب با مقام مرد یکسان ساخت . در نتیجه همین احکام و سنن است که امروز قانون مدنی ما صریحاً بدختران حق داده است که درحضانت ابوین باشند و درصورت توانائی ابوین آنها را مکلف بتربیت ایشان نموده است . تا جائیکه درقانون قید شده است در صورتیکه بر اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد با مراجعه اقوام طفل بمحکمه محکمه میتواند برای حضانت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند .

باز بر اثر تعلیمات اسلام و احکام اسلام است که قانون مدنی بدختر مثل پسر مادام که تحت ولایت است حق انفاق داده و میتواند برای مطالبه نفقه بدادگاه رجوع کند . و مهمتر آنکه برخلاف قوانین اغلب ممالک مترقی که مادران را مثل پدران مکلف بانفاق اولاد توأما و با شرایط متساوی نموده اند درقانون ما این تکلیف در درجه اول بهمه پدر و پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بهمه اجداد پدری بارعایت الاقرب فالاقرب گذاشته شده و درصورت نبودن پدر و اجداد پدری یا عدم قدرت آنهاست که تازه مادر و بعداً اجداد وجدات مادری عهده دار این تکلیف میباشند .

پس چنانچه خوانندگان محترم ملاحظه میفرمایند در قانون مدنی ما که همان قانون شرع است در مرحله اول زندگی بطورکلی از هیچ جهتی بین دختر و پسر فرق قابل ملاحظه موجود نبوده صرفاً در ایام حضانت است

که بلحاظ احتیاج بیشتر دختر بدامان مادر حضانت مادر را برپسر تا دوسالگی و بر دختر تا هفت سالگی قابل شده است .

دومین مرحله زندگی زن مرحله زناشویی و دوران ازدواج است .

در ایران قدیم زن منحصرأ وسیله تولیدی بود که تحت اختیار کامل شوهر در میآمد و برای صحت ازدواج اصولاً رضایت پدر یا قیم ضروری بود و دیگر از شرایط صحت ازدواج مسئله کابین و مهر بود . باینمعنی که شوهر بایستی باقوم دختر وجه نقد یا عین مالی داده دختر را بگیرد . و اگر کابین داده نمیشد ازدواج صورت قانونی نداشت پس از ازدواج قدرت شوهر مکمل امر ازدواج بود و بدون اینقدرت ازدواج معنائی نداشت . شوهر رئیس خانواده و حاکم بر مقدرات خانواده بوده اموال زن تحت اختیار مطلق شوهر در میآمد و هر گونه تصرفی که مایل بود در آن اموال مینمود . حتی حق تسلط شوهر بر دارائی زن تا بعد از مرگ شوهر هم ادامه داشت . بدینمعنی که پس از مرگ شوهر اول مهر زن را جدا کرده بعد وصیت را اجرا مینمودند و اگر ترکه باقی میماند قبل از تقسیم اموال زن را که بصورت جهیزه باخود آورده بود باو مسترد میداشتند . با اینحال اگر دیون متوفی تمام دارائی را مستهلك میکرد نه تنها دارائی زن از مستثنیات دین شوهر نبوده بلکه مهر هم بزن داده نمیشد . و خلاصه قدرت شوهر قدیم ایرانی نسبت بزن خود با این افسانه معروف مجسم میگردد که میگویند دختر هنگام ازدواج حلقه آهنینی در دستش بود که بدست شوهر داده و او را با خود میبرد . و بهر تقدیر اطاعت و انقیاد و تبعیت زنان قدیم ایران از شوهرانشان باندازه بود که در مذهب اهورا مزدا از نماز و طاعت معاف میشدند بشرط آنکه روزی سه مرتبه نزد شوهر آمده بگویند . بچه خیال میکنی که ما هم بهمان خیال کنیم . چه میخواهی که ما همانرا بتو بدهیم . و مهمترین مظاهر قدرت شوهر نسبت بزن این بود که مرد ميتوانست بزنش اجازه بدهد با مرد دیگری هم بستر شود تا صاحب اولاد گردد . تسلط روحی و جسمی شوهر بر زن شاخص حقوق زن در ایران قدیم است .

در عربستان قدیم وضع زنان بدتر از زنان ایران بود اگر دختری

زنده میماند و بسن ازدواج میرسید و داوطلبی پیدا میشد پدر هیچوقت در این موضوع با دختر شور نمیکرد. ازدواج بدون مهر صورت نمیگرفت. و زن محصولی بود که هر کس بیشتر میداد مال او میشد. هیچ نوع قاعده و قانون و تشریفات دیگری جز اراده پدر موجود نبود و فقط و فقط مهر بود که باز ازدواج صورت قانونی میداد از نظر قانونی ازدواج عرب قبل از اسلام شبیه عقد بیع بود فروشنده پدر خریدار شوهر. ثمن مهر و مبیع دختر بود. بدیهی است که با اینوصف زن کاملاً تحت سلطه شوهر درآمده و ازدواج صرفاً بمنظور ازدیاد نسل بعمل میآمد بهمین مناسبت تعدد زوجات در شهر و صحرا زواج کامل داشت و مرد میتواندست هر قدر مایل باشد زن بگیرد. و عقیم بودن مرد مرض یا هر علت دیگری موجب رهایی زن نمیشد. در عربستان قدیم هم مثل ایران مرد میتواندست برای تولید بچه بز ن خود اجازه هم بستری با مرد اجنبی را بدهد و چون همانطور که ذکر شد زن دارائی مرد بود طبعاً پس از مرگ شوهر تحت سلطه وارث درآمده میتواندستند خودشان با او ازدواج کرده یا او را بدیگری بفروشند. پس چنانچه ملاحظه میشود اسلام وقتی طلوع کرد که زن خواه در ایران خواه در کشورهای دیگر دچار بیعدالتی کامل اجتماع بود بدون آنکه حق کمترین شکایتی داشته باشد.

بطور تحقیق و از روی انصاف باید بگوئیم آنچه اسلام برای زنان آورده و حقوقی را که اسلام بزنان داده هیچ شارع و قانونگذاری نکرده است و با آنکه بصورت ظاهر بعضی تصور میکنند که دین مقدس اسلام حدودی بر حقوق زنان قائل شده است ولی با ملاحظه وضع زنان هنگام طلوع اسلام و با وظایفی که اجتماع برعهده زنان گذراده که باوجود نهضتهای جدیدیه باز همه قائل بانوظایف بوده مقام و جای زن را در محیط خانواده میدانند و با مراجعه بحقوق زنان در سایر ملل متمدن حتی زنان متمدن امروزی بایستی اذعان نمود که اسلام حق بزرگی برگردن دختران. مادران و بخصوص زنان شوهر دار دارد. که چون از نظر قانون ما در قسمت مطالعه ما تقریباً همان اصول اسلام در قانون مدنی منعکس شده است بیبحث این حقوق میپردازیم.

شرایط صحت نکاح - بموجب قانون مدنی هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود بدون آنکه این خواستگاری ایجاد علقه ازدواج را بنماید. بنا بر این مادام که صیغه عقد باصطلاح جاری نشود نکاح تحقق پیدا نمیکند و بمحض اجرای صیغه بدون آنکه برخلاف مشهورانتظار تشریفات عروسی کشیده شود روابط زوجین براساس قانونی مستقر میگردد و حتی با وجود قوانین متعددی که بنام قانون ازدواج و آمار زوجین بخصوص شوهر و عاقد را مکلف به ثبت رسمی ازدواج و اطلاع بداره آمار نموده و این قوانین تشریفاتی (که از قدمهای مفیدی است که بخصوص بنفع زن برداشته شده) هیچکدام در صورت عدم رعایت موجب بطلان نکاح نمیگردد. برای اینکه نکاح صحیح باشد شرط اصلی و اساسی آن مثل هر عقد دیگری رضایت زوجین میباشد و چنانچه ملاحظه میشود شارع مقدس اسلام بالزوم رضایت زن تمام عادات و سیره قدیم را از بین برده. برای زن درحیاتی ترین امر مربوط باو شخصیتی مساوی با شخصیت مرد قائل گردیده و عقد نکاح را از صورت عقد بیع خارج نموده سهل است عملاً و باقتضای طبیعت حس نفرت و انزجاری را که نسبت بدختران موجود بود مبدل بحس احتیاج و محبت و بعضاً مدهانه و تملق نمود.

ولی چون علاوه بر لزوم رضایت زوجین ملاحظات اخلاقی دیگری وجود داشت که برای نظم جامعه و خانواده بخصوص برای حفظ دختران از فریب، اغفال، یا مطالب دیگری که ممکن بود ثمره عدم تجربه ایشان در زندگی باشد چه شارع و چه مقنن آن ملاحظات اخلاقی را در نظر گرفته و رضایت اقوام را در حدودیکه در قوانین دیگر نیز موجود میباشد ضروری دانستند. دختران بین ۱۵ و ۱۸ سال یعنی بین سن قانونی ازدواج و کبر قانونی بدون رضایت ولی نمیتوانند شوهر کنند و دختران ۱۸ سال بیالا هم بایستی از پدر یا جد پدری اجازه بگیرند. ولی اگر ایشان از دادن اجازه مضایقه کنند میتوانند با معرفی کامل شوهر آتیه و شرایط نکاح و مهر از طریق دفتر ازدواج مراتب را بآنان اطلاع داده و پس از ۱۵ روز ازدواج را ثبت نمایند.

دومین شرط صحت نکاح سن زوجین است که در مورد دختر ۱۵ سال تمام قید شده و در صورتیکه مصلحتی در بین باشد با پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه ممکن است معافیت از شرط سن داده شود که بهر حال این معافیت بدختر کمتر از ۱۳ سال داده نمیشود - در اینجا باید توجه داشت که گرچه صورتاً مقررات قانونی با مقررات مذهبی که دخترانه ساله بالغه دانسته است منافات دارد ولی چون برای شرایط رشد، عقل و قدرت و بلوغ از نظر شرعی ضروری تشخیص شده عملاً میتوان گفت که نصاب ۱۳ و ۱۵ همان نصاب شرعی است.

از نظر مقایسه بایستی اجمالاً گفته شود که حقوق زنان مسلمان اهل تسنن بدرجه حقوق زنان مسلمان شیعه در این قسمت نبوده و ماده ۱۷ قانون مالکیهای مقیم تونس که یکی از فرق تسنن است مینویسد زن و مرد وقتی صغیر هستند مجبور بازدواج میشوند و این حق را پدر و وصی منصوص و قاضی در صورت وجود قیم داده است و باز در همین قانون ضمن آنکه رضایت زنا برای صحت نکاح لازم دانسته تصریح کرده است که زن حق ندارد مستقیماً رضایت خود را بشوهر اعلام دارد. بلکه باید بوسیله مسلمان آزاد بالغ عائللی که حتی المقنن از اقوام باشد اقدام کند - در قانون فرانسه رضایت طرفین و رضایت ابوی برای ازدواج صغار ضروری است - در انگلستان قدیم هیچ قاعده و قانونی برای ازدواج وجود نداشت و صرف حضور زن و شوهر در مقابل کشیش کافی بود در ۱۷۵۳ زمان سلطنت ژرژ دوم قانونی گذشت که بموجب آن ازدواج حتماً جز در مورد یهودیها بایستی در مقابل کلیسای انگلیسی واقع شود ولی چون قانون مرقوم برای کسانی که پیرو این کلیسیا نبودند ایجاد زحمت نموده بود در ۱۸۳۶ مقررات جدیدی وضع شد که هنوز هم کم و بیش معمول است مطابق این قانون شرایط لازم برای ازدواج یکی رضایت طرفین و دیگر رضایت اقوام سوم عدم وجود موانع قانونی و بالاخره سن است که برای دختر ۱۲ سال قید شده است ولی بعضی کانونیستها ازدواج تا هفت سالگی را هم محکوم ببطالان ندانسته و فقط بچنین صغیری اجازه داده اند که در صورت تمایل موقع حصول سن قانونی بتوانند بسون مداخله قاضی ازدواج را بهم بزنند. ولی اگر بزندگان زناشویی عملاً ادامه داد

این حق از او سلب می‌گردد .

مهر - در ادوار قبل از اسلام مهر شرط و رکن اصلی و اساسی ازدواج بود و بدون مهر عنوان ازدواج مصداقی پیدا نمی‌کرد . طبعاً این رویه که در آنوقت بدختر فروشی تعبیر میشد اثـرات خود را در اسلام و بعداً در قانون مسا باقی گذاشت منتها از آنجائیکه فرقه شیعه نسبت بسایر فرق اسلام بمنزله پرتستان نسبت بکاتولیک مسیحیان است در عین حال که حق زن بمهر از بین نرفت جزو شرایط صحت نکاح قرار نگرفت . یعنی اگر زنی شوهر کند بدون آنکه مهـری تعیین شده باشد ازدواج باطل نیست و حتی اگر شرط شود که مهر وجود ندارد باز نکاح صحیح است . و حال آنکه در قانون مالکیها تصریح شده که زن خود را در مقابل مهـریکه بوسیله شوهر یا از طرف او پرداخت میشود تسلیم شوهر میکند و حتی در این قانون بر خلاف قانون ما قید شده است که اقلاً نصف مهر پابستی تقدماً تأدیه و نصف دیگر حد اکثر تا ۲۰ سال داده شود .

وضع مهر و مخصوصاً امکان نسیه بودن آن یکی از حقوق ممتاز هـزن مسلمان ایرانی نسبت بسایر زنان دنیا است و صد در صد بنفع بانوان است زیرا قطع نظر از آنکه مهر در غیر از ممالک اسلامی مورد نداشته و اصولاً الزامی برای مرد بتأدیه مبلغی یا چیزی بزن خود در قوانین دیگر وجود ندارند مهر اسلحه مهمی در دست زن بر علیه شوهر است و مرد که اصولاً طبق قانون ما هر موقعی میتواند زن خود را طلاق دهد اگر دین مهـری نسبت بزن نداشته باشد در هنگام بیهـمـری نسبت بزن خود آسانتر بطلاق مبادرت خواهد نمود .

بهر تقدیر بزن حق داده شده است که در صورت حال بودن مهر مادام که آنرا دریافت نکرده از ایفاء بوظایف زوجیت در مقابل شوهر امتناع کند بدون آنکه این امتناع موجب اسقاط حق نفقه گردد .

تعدد زوجات - با اینکه در بحث از حقوق زنان شاید مجالس ظاهراً برای مسئله تعدد زوجات نبوده و امکان اختیار چند زن از طرف مرد تحمیلی بر حقوق ایشان تلقی و امتیازی برای مردان بشمار آید ولی چون اینمطلب

پیراهن عثمانی است که بدست بانوان متجدد افتاده و شاید یکی از مسائل مهمی است که اغلب از طرف اروپائیان بدان ایراد میشود لازم دید چندسطری در اطراف آن بحث شود تا معلوم گردد از اینجبهه نیز شارع اسلام حقوقی برای زنان قائل شده و وضع زنان ایرانی شیعه عملاً کمتر از وضع زنان خارجی نیست در واقع اولاً بایستی باین نکته توجه داشت که از ابتدای تاریخ بشر تا امروز مردان اصولاً بیک زن اکتفا نکرده و درمالکی که تعددزوجات وجود ندارد معاشرتهای آزادبا زنان فسادهایی بار آورده است که بالاخره مقننین آن ممالک ناچار بوضع مقرراتی برای این قبیل معاشرتهای غیرقانونی از لحاظ حفظ نظم اجتماع شده اند منجمله در فرانسه بزین concubine حق نفقه داده شده و برای اولاد حرامزاده سهم الارث قائل گردیده است و لذا آنچه را که باقتضای طبیعت تازه پس از چندین قرن علمای حقوق و اجتماع بدان بر خورده و بصورت قانونی در آورده اند پیغمبر اسلام با حس پیش بینی ممتازیکه داشته در هنگام طلوع اسلام مسورد نظر قرار داده است . ثانیاً باتوجه باینکه غرض اصلی ازدواج همه جا و همیشه در درجه اول تولید و تکثیرنسل بوده تبعیت قانون شرع از غریزه بشر و اساس ازدواج اصولاً با قائل شدن مذهب بتعدد زوجات جای ایرادی را باقی نمیگذارد - خصوصاً که دروضع اینقانون تمام جوانب امر رعایت شده عواطف و احساسات زنان . نظم خانواده . و نظم جامعه مورد نظر واقع گشته و حدودی برحکم تعدد زوجات وارد شده است که مجموعه اینحدود حقون زنان مسلمان را در این مبحث ایجاد مینماید یعنی اولاً لایتناهی را که قبل ازاسلام معمول و متداول بود بچهار زن عقدی محدود نمود . ثانیاً شرط عدالت بین ایشانرا شرط اساسی تعدد زوجات قرارداد . و بقدری در رعایت این شرط اصرار شده که بعقیده اغلب مطلعین با وجود حکم صریح بامکان اختیارچهار زن میگویند عملاً پیغمبر آنرا منع نموده است . زیرا معتقدند که با ذکر لن تستطیعو در آیات بعد واستعمال لن که دلالت بر نفی ابد میکند پیغمبر اکرم خواسته است بگوید که امکان عدالت بین چند زن نزد بشر عادی منتفی است وعلی ای تقدیر خود جمله و ان خفتم ان لاتعد لوفواحده جمله حکمی میباشد که در مورد عدالت

آمرانه است و با توجه باینکه بعقیده اغلب مفسرین یکی از لوازم عدالت مساوات کامل بین زنان از حیث حقوق ایشان است و منجمله حفظ نوبت همبستری در مواعد معین تردیدی نیست که عملاً این عدالت از هر مردی ساخته نیست . در قوانین ما مسئله تعدد زوجات نص صریحی ندارد و فقط با مراجعه ببعضی مواد است که معلوم میشود مقنن حق اختیار چند زن را از مردان سلب نکرده که یکی از آن مواد در مورد تقسیم سهم الارث بین زنان متعدد و دیگری در قانون ازدواج است که میگوید اگر مردی با وجود داشتن زن خواست عیال دیگری اختیار کند باید صریحاً بگوید زن دارد و اگر کتمان کند قریب دهنده تلقی و بکیفر تا دو سال حبس مجازات میگردد .

در اینجا باید این نکته را متذکر گردم که هر قدر این حکم برای بانوان نهضت طلب سنکین جلوه نماید چون مطابق قوانین ما بزن اجازه داده شده است هر شرطی را مخالف عقد نباشد در قباله قید کنند با توجه باینکه چنین راه فرار آسانی پیش پای ایشان گذارده شده جای نگرانی از وجود قانونیکه ممکن است در بعضی موارد مفید باشد موجود نیست و بهر صورت بانوان میتوانند تاهل ثانوی مرد را همانطور که اخیراً مرسوم شده از موجبات حق طلاق برای خود در قباله ازدواج قید کنند .

شؤبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسالہ جامع علوم انسانی

قانون

راجع به تجدید نظر در سازمان وزارتخانهها و تصفیه کارمندان دولت

مصوب اول تیر ماه ۱۳۲۸

ماده ۱ - بدولت اختیار داده میشود که هیئتی مرکب از هفت نفر اشخاص بصیر و مورد اعتماد را تعیین نماید که در سازمان وزارتخانه ها و ادارات و شهرداریها و بنگاههایی که با سرمایه دولت تشکیل شده تجدید نظر نموده و تکلیف کارمندان آنها را بطریق زیر معین نماید :